

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

by Devon DB

برگردان از: ا. م. شیری

۱۵ مارچ ۲۰۱۲

سازمانهای غیردولتی: میسیونرهای امپریالیسم

سازمانهای غیردولتی با انجام وظایف مختلف انساندوستانه که هر یک به نحوی از انحاء با معضلاتی مثل فقر، حفظ محیط زیست و آزادیهای مدنی مرتبط هستند، به مهم ترین جزء صحنه جهانی در قرن بیست و یکم تبدیل می شوند. همراه با این، سازمانهای غیردولتی دارای جانب تاریکی نیز می باشند. آنها در مناسبات بین المللی، از جمله از سوی ایالات متحده آمریکا به عنوان یک ابزار مورد استفاده قرار می گیرند. ایالات متحده آمریکا صمن اتکاء بر قدرت نظامی، اینک از سازمانهای غیردولتی به مثابه ابزاری برای اجرای سیاست خارجی خود استفاده می کند. به ویژه این امر در ارتباط با «بنیاد ملی حمایت از دموکراسی»، «خانه آزادی» و «عفو بین الملل» به وضوح قابل درک است.

بنیاد ملی حمایت از دموکراسی

به نوشته سایت بنیاد ملی حمایت از دموکراسی، این بنیاد یک سازمان خصوصی غیرانتفاعی است که در راه توسعه و تحکیم نهادهای دموکراتیک در سراسر جهان فعالیت می کند. اما، این جملات شیرین فاصله بسیار زیادی با واقعیت دارند.

تاریخچه سازمانهای غیردولتی پس از به قدرت رسیدن دولت ریگان آغاز می شود. باز شدن پرونده های متعدد در خصوص فعالیت های سازمان سیا در سالهای ۷۰ نشان دادند که کارنامه این سازمان و به طور کلی دولت آمریکا از اقداماتی از قبیل، سازماندهی سوءقصد به جان رهبران دولتها، بی ثبات سازی کشورهای خارجی و تعقیب شهروندان امریکائی پر است و به همین سبب، در آن هنگام کمیته های زیادی برای تحقیق در باره فعالیت های سازمان سیا تشکیل گردید. بررسی های کمیته چرچ (به سرپرستی فرنک چرچ Frank Church دموکرات از آیداهو)، بسیار جدی بود و اسناد افشا شده از سوی آن که از «ضرورت اعمال نظارت دائمی بر فعالیت سازمانهای اطلاعاتی حکایت می کرد، به تشکیل یک کمیته دائمی ویژه اطلاعات منجر گردید». وظیفه نظارت بر فعالیت

سازمان امنیت ملی به کمیته دائمی ویژه اطلاعات محول شد. زمانی که اعمال کنترل و نظارت به مد روز تبدیل گردید، علی الظاهر، چنان می نمود که روزگار قتل‌های سیاسی و کودتاهای سیا به پایان رسیده است. به عبارت دقیق تر، سیا می بایستی عملیات خود را در اشکال دیگری، در پشت نقاب سازمان غیردولتی بنیاد ملی حمایت از دموکراسی که هدف آن برقراری دموکراسی در سراسر جهان بود، به اجراء بگذارد.

ایده تأسیس سازمان غیردولتی از همان ابتداء به مثابه ابزار سیاست خارجی امریکا مطرح شد و آن، مولود اندیشه "آلن واینشتاین" بود که تا زمان تشکیل آن، پروفیسور دانشگاه‌های براون و جرج تاون بود و در تحریریه «واشینگتن پست» کار می کرد و نیز مدیر اجرائی مجله «واشینگتن کوآرتلی»، از نشریات مرکز مطالعات ستراتژیک و بین المللی- اتاق فکر جناح راست محافظه کاران بود که می بایستی در آینده به ستراتژیستهای امپریالیستی مانند هنری کیسنجر و زیگنو بژنسنکی بپیوندند. او در مصاحبه ای در سال ۱۹۹۱ گفت: «بسیاری از آنچه را که ما امروز انجام می دهیم، ۲۵ سال پیش سازمان سیا مخفیانه انجام داده است».

اولین مدیر این بنیاد، کارل گرشمان اذعان کرد که بنیاد فقط یک پوشش برای سازمان سیا به حساب می آید. در سال ۱۹۸۶ او چنین گفت:

«ما نباید به چنین کارهای مخفیانه دست می زدیم. دریافت کنندگان پول از سیا، در نظر گروههای دموکراسی در سراسر جهان دهشتناک می نمودند. ما به این مسأله در سالهای شصت پی بردیم و به آن پایان دادیم. ما دیگر نمی توانستیم به چنین اقداماتی دست بزنیم و علت تأسیس بنیاد نیز همین بود».

همانطور که پیشتر گفته شد، بنیاد از همان ابتدای تأسیس در سال ۱۹۸۳، با «دریافت بخشی از بودجه تخصیصی مصوب کنگره امریکا به آژانس اطلاعاتی ایالات متحده امریکا»، به مثابه ابزار دولت امریکا عمل می کرد. درست زمانی که بنیاد تأسیس شد، به جست و جوی گروههای پرداختی که می توانستند از منافع ایالات متحده امریکا حمایت کنند. از سال ۱۹۸۳ تا سال ۱۹۸۴ بنیاد در فرانسه فعالیت می کرد و به منظور مقابله با «اتحادیه معلمان چپ گرا»، از «سازمان معلمان و دانشجویان از نوع اتحادیه ها» در اشکال تأمین مخارج سمینارها، پلاکارتها، کتابها و برشورهای مشوق مخالفان نگرش چپ، پشتیبانی به عمل می آورد. در اواسط و اواخر سالهای ۱۹۹۰ سازمانهای غیردولتی با دریافت بیش از ۲ و نیم میلیون دلار از «بنیاد توسعه کار آزاد امریکا» که سازمان سیا تحت پوشش آن اقدامات تخریبی شدیدی علیه اتحادیه های مترقی به عمل آورد، به مبارزه خود علیه جنبش کارگری سازمانیافته ادامه داد.

بعدها، بنیاد برای وارد آوردن ضربه به جنبش چپ، در انتخابات ونزویلا و هائیتی مداخله کرد. سازمان های غیردولتی به عامل بی ثبات سازی برای آن بخش از کشورهای تبدیل شدند که در مقابل قدرت نظامی امپریالیسم امریکا به زانو در نمی آیند. اضافه کنیم که این بنیاد، بودجه یک سازمان به اصطلاح غیردولتی دیگر به نام «خانه آزادی» (Freedom House) را نیز تأمین می کند.

خانه آزادی

در ابتداء، «خانه آزادی» در سال ۱۹۴۱ به عنوان یک سازمان مدافع دموکراسی و حقوق بشر تأسیس گردید. اگر این سازمان در گذشته می توانست مطابق هدف اولیه اش فعالیت کند، اما در روزگار ما «خانه آزادی» در عرصه بین المللی در امر دفاع از منافع ایالات متحده امریکا بسیار فعالانه شرکت می کند و مدیران آن روابط بسیار تنگاتنگی با سازمانهای مشکوک دارند. به طوری که مدیر اجرائی آن، دوید کرامر، یکی از طراحان اصلی پروژه

قرن جدید امریکائی می باشد که بسیاری از اعضای آن مسؤول وضع کنونی ایالات متحده امریکا به عنوان یگانه آتش افروز جنگها شناخته می شوند.

در سالهای حکمرانی بوش، رئیس جمهور با پشتیبانی «خانه آزادی» جنگ به اصطلاح «علیه تروریسم» را آغاز کرد. رئیس جمهور بوش طی سخنرانی خود در ۲۹ مارچ سال ۲۰۰۶ اظهار داشت که «خانه آزادی» از زمانی که در بیش از ۳۰ سال پیش فعالیت خود را برای برقراری آزادی در جهان آغاز کرده، سال ۲۰۰۵ را موفق ترین سال برای آزادی اعلام کرد، و تا زمانی که همه خلقها و همه ملتها از نعمت آزادی برخوردار نشوند، امریکا نباید دست روی دست بگذارد. زیرا، توسعه آزادی در قرن جدید، عنصر حیاتی ستراتیژی ما در دفاع از مردم امریکا و تأمین امنیت نسلهای آینده به شمار می رود.

بعدها معلوم گردید که «خانه آزادی» به خاطر دریافت پول از دولت امریکا هر چه بیشتر و بیشتر به سوی مشی دولت بوش گرایش پیدا کرد. طبق گزارش داخلی خود آن، در سال ۲۰۰۷ دولت امریکا در حدود ۶۶ درصد هزینه های مالی این سازمان را تأمین نمود. بخش اصلی این پولها از محل بودجه ژانسن امریکائی کمکهای بین المللی (USAID)، وزارت خارجه و صندوق ملی حمایت از دموکراسی پرداخت گردید. در نتیجه، بین «خانه آزادی» و دولت ایالات متحده امریکا نه تنها امتزاج سیاسی، حتی تزویج مالی مستحکمی برقرار شد.

با این حال، باید توجه داشت که «خانه آزادی» در حمایت خود از دولت تنها نبود. در دوره حاکمیت بوش، دولت ایالات متحده امریکا سازمانهای غیردولتی را به حساسیت هر چه بیشتر نسبت به خواستههای خود وادار ساخت. در سال ۲۰۰۳ مدیر بنیاد کمکهای امریکا، اندرو ناتسیوس (Andrew Natsios) در جریان سخنرانی خود در کنفرانس سازمانهای غیردولتی اظهار داشت که، خود بقاء رژیم کرزی در افغانستان به چگونگی رابطه بین سازمانهای غیردولتی و سازمان کمکهای امریکا بستگی دارد، و افغانها بر این باورند که شرایط زندگی آنها فقط به واسطه مکانیزمهای فاقد هر گونه وجه مشترک با دولت امریکا و حکومت مرکزی بهبود خواهد یافت. این یک مسأله جدی است. در ارتباط با اوضاع عراق، ناتسیوس خاطرنشان کرد: زمانی که سخن از کار سازمانهای غیردولتی در کشور به میان می آید، صحبت نه فقط به نتایج تأیید شده، بلکه، حتی به تظاهر رابطه بین این نتایج و سیاست امریکا کشیده می شود. به طور کلی، به سازمانهای غیردولتی گفته شده بود که آنها به مثابه دست افزارهای دولت ایالات متحده امریکا و به عنوان بخشی از دستگاه امپریالیسم به حساب می آیند.

گذشته از اینها، «خانه آزادی» برجستگی خود را در جریان بهار عربی در پروسه کمک به آموزش و تأمین مخارج گروهها و اشخاص حقیقی جامعه مدنی، از جمله، جنبش جوانان «۶ اپریل» در مصر، سازمان حقوق بشر بحرین و فعالانی از میان مردم امثال انتظار کادی، «رهبر جوانان یمن» نشان داد.

این امر که بنیاد و «خانه آزادی» به مثابه ابزارهای سیاست خارجی ایالات متحده امریکا مورد استفاده قرار می گیرند، بدین معنی نیست که دولت امریکا در جست و جوی ابزارهای جدید، مثلاً، «عفو بین الملل» نیست.

عفو بین الملل

سازمان حقوق بشری «عفو بین الملل»- این جدیدترین ابزار زرادخانه امپریالیسم امریکا است. در ماه جنوری سال ۲۰۱۲ به اساس تصمیم خود سازمان عفو بین الملل، سوزان نوسل (Suzanne Nossel) به مقام مدیر اجرایی جدید آن برگمارده شد. نوسل پیش از احراز مقام جدید در عفو بین الملل، رابطه بسیار نزدیکی با دولت ایالات متحده امریکا داشت و در مقام مشاور معاون وزیر امور خارجه امریکا در امور سازمانهای بین المللی کار می کرد.

نوسل با بیان اختراعی خود، «قدرت هوشمند» مشهور است و او مشخص کرد که چگونه آگاهی در باره آن که «منافع ایالات متحده آمریکا به واسطه جلب دیگران به سوی خود به نام دستیابی به اهداف ایالات متحده آمریکا از طریق اتحادیه های کارگری، نهادهای بین المللی، دیپلوماسی غیرمعارف و نیروهای آرمانگرا تأمین می گردد».

هر چند این تبیین می تواند غیرمؤدیان به نظر برسد، «قدرت هوشمند» نسخه گسترده تأثیر «قدرت نرم» کوزوف نای (سیاست شناس امریکائی، بنیانگذار مکتب نئولیبرالی سیاست بین الملل) را برمی انگیزد؛ امری که تحت عنوان «قابلیت دستیابی به نتایج مطلوب با به کارگیری سیاست چماق و هویج» توضیح داده می شود. جنگ لیبیا مثال زنده این «قدرت هوشمند» به حساب می آید که ایالات متحده آمریکا برای پیشبرد آن از سازمان ملل متحد به عنوان ابزار اخذ مجوز «تجاوز انساندوستانه» استفاده کرد.

حتی قبل از انتصاب نوسل به مقام مدیر اجرایی «عفو بین الملل» این سازمان جنگ اطلاعاتی علیه سوریه را ناخواسته آغاز کرد. در مصاحبه مطبوعاتی اول سپتمبر سال ۲۰۱۱ تحت عنوان «دموکراسی هم اکنون» محقق و نویسنده گزارش «عفو» «بازداشتهای مرگبار»: قتل زندانیان در شرایط اعتراضات عمومی در سوریه»، نیل ساموندس (Neil Sammonds) نحوه انجام تحقیقات را که بر مبنای آن گزارش تنظیم گردید، توضیح داد. او گفت:

«من در سوریه نبودم. عفو بین الملل هم هنگام وقوع این حوادث اجازه حضور در این کشور را نداشت، به رغم اینها، ما تحقیقات را انجام دادیم. بدین جهت، تحقیقاتی که گزارش بر پایه آن تنظیم گردید، اساساً بر مبنای داده های شبکه وسیع آشنایان و خویشاوندان خانواده ها و حتی از دیگر منابع، اکثراً در لندن، و بخشی از آن با کار در کشورهای همسایه به عمل آمد».

آیا ممکن است این چنین گزارش معتبری را با استناد به تنها منابع اطلاعات از دست دوم، که هم می تواند اصلاً وجود نداشته باشد و هم می تواند مغرضانه یا عمداً به دستور روز وارد شده باشد، تنظیم کرد؟ شما چگونه می توانید با استناد به منابعی که اطلاعات آنها قابل راستی آزمائی نیست، گزارش بنویسید؟ این، جنگ رسانه ئی علیه قذافی را یادآوری می کند که در جریان آن، رسانه های جهانی از مباران مردم خود توسط نیروهای وفادار به وی و از توزیع قرص ویاگرا بین سربازان برای تجاوز به زنان خبر دادند، که صحت هیچ کدام از این خبرها هیچ گاه تأیید نشدند.

صرفنظر از آن که سازمانهای غیردولتی در مجموع می توانند تأثیرات مثبتی در جامعه بگذارند، این مسأله را لزوماً باید مورد توجه قرار داد که چه کسانی آنها را اداره می کنند و مخارج سازمانهای غیردولتی که ماهیت آنها تغییر می یابد، از کجا تأمین می گردد. این سازمانها هر چه بیشتر به دستگاه سلطه امپریالیسم جذب شده و از حاصل استثمار تأمین می شوند. سازمانهای غیردولتی به سرعت به میسیونرهای امپریالیسم تبدیل می شوند.

پی نوشت مترجم:

– لیست سازمانهای غیردولتی و بین المللی که فعالیتهای سازمان سیا را پوشش می دهند، به همین موارد مذکور در متن مقاله خلاصه نمی شود. دولت آمریکا از تمامی تشکلهای غیردولتی در هر کشوری و حتی از اغلب محققان و گزارشگران رسانه های امپریالیستی، برخی سازمانهای به اصطلاح بین المللی مثل شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، بعضی هیأتهای نمایندگی در آژانس بین المللی انرژی اتمی و همه گروهها و دستجات دموکراسی خواهی و حقوق بشری برای کسب اطلاعات جاسوسی بهره می گیرد. از جنگ لیبیا و تجهیزات تعیین موقعیت خبرنگاران در راهنمایی بمبارانهای این کشور و همچنین، سازماندهی حملات مسلحانه تروریستهای القاعده و اخوان المسلمین به

سوریه، می توان به مثابه بارزترین شیوه بهره برداری جاسوسی از گزارشگران امپریالیسم خبری و سازمانهای غیردولتی نام برد.

- «خانه آزادی» یکی از اولین و خطرناکترین نهادهای غیردولتی امپریالیسم امریکا است که در کنار «جامعه باز» جرج سورس، نقش منحصر به فردی در تخریب "سوسیالیسم جهانی" و تجزیه اتحاد شوروی ایفاء کرد. همین «خانه آزادی» بود که به کمک یلنا بونر دارای گرایش افراطی صهیونیستی، همسر دوم و احتمالاً مصلحتی فیزیکیان مزدور، آندره ساخاروف، با وی رابطه برقرار کرد و به طور همه جانبه از وی حمایت به عمل آورد. با تبلیغات دروغین، او را «پدر» بمب هیدروژنی اتحاد شوروی نامید و ... در نهایت، امپریالیسم جهانی به دست همین سازمانهای غیردولتی، اتحاد شوروی را از پای درآورد، یوگسلاوی را لت و پار کرد، سودان را به دو کشور تقسیم کرد و ...

- مترجم نوشتار فوق، به اساس مطالعات و بررسی های خود، ماهیت واقعی سازمانهای غیردولتی را همواره افشاء کرده و به همه آنهایی که حتی با نیت خیر و به خاطر عدم دانش کافی، فریب لفاظی های خوش آهنگ خادمان امپریالیسم را خورده و این تشکلهای را وسیله ای برای نیل به اهداف انسانی خود می دانند، به دفعات هشدار داده و آنها را از فعالیت در چهارچوب سازمانهای غیردولتی و برخی تشکلهای بین المللی برحذر داشته است. به این لفاظی جناب جرج بوش، رئیس جمهور سابق امریکا، جنایتکارترین مقام دولتی تاریخ معاصر بعد از آدولف هیتلر، پیشوای المان نازی و باراک اوباما، رئیس جمهور کنونی امریکا توجه کنید: «... و تا زمانی که همه خلقها و همه ملتها از نعمت آزادی برخوردار نشوند، امریکا نباید دست روی دست بگذارد».

<http://mixednews.ru/archives/15498>

<http://eb1384.wordpress.com/2012/03/13/>

۲۴ اسفند [حوت] ۱۳۹۰